

گزارش هم‌اندیشی

رادپرو، تلویزیون و دموکراسی



انجمن علمی ارتباطات دانشگاه تهران و معاونت صدا

● غسل پور داداش مهربانی

ساختارگرایی - که به کارگیری این دو اصطلاح به جای یکدیگر نیازمند تأمل خاصی است - اینکه کوششی است برای کشف ترکیب‌ها و یافتن روابط ثابت میان اجزای یک مجموعه. به باور ساخت‌گرایان، با روش ژرفانگر می‌توان ساخت‌های ناآشنا را، که در زندگی روزمره به چشم نمی‌خورند، آشکار کرد».

ایشان به بیان چهار بنیان نظری ساختارگرایی برای پدیده‌های اجتماعی پرداخت که اولین بنیان تحلیل ساختارگرایان، ایجاد شبکه‌ای ارتباطی بین پدیده‌های اجتماعی است که با گذشت زمان و مکان تغییر نمی‌کند. وی خاطر نشان کرد که «باید سه عنصر دیگر را هم اضافه کنیم: پارازیت، رمزگذار و رمزگشا. هرچه بر مدل‌های ارتباطی افزوده می‌شود، عناصر و شاخص‌های شناسایی ارتباطات برابمان بیشتر می‌شود و در نتیجه ارتباط، بهتر شناسایی می‌شود. حال وقتی رابطه رسانه و دموکراسی را بررسی می‌کنیم، به دنبال این هستیم که کدام بخش فرایند ارتباطی است که با دموکراسی رابطه اصلی برقرار می‌کند».

دکتر الستی در تحلیل خود درباره اصول چهارگانه ساختارگرایان گفت: «در هر مطالعه ساختی بین پدیده‌های اجتماعی شبکه روابطی ایجاد می‌شود که با دگرگونی‌های زمانی و مکانی، تغییری در آنها به وجود نمی‌آید. فرد از مجموعه شبکه و روابطی که او را در بر گرفته آگاهی ندارد».

در روابط اجتماعی، اصل، تقابل و تضاد حاکم است. تقابل چیست؟ مفهوم فرهنگ در مقابل مفهوم ملیت که این اصل مهم ساخت‌گرایی است. طبیعت همیشه ضد فرهنگ و فرهنگ

هم‌اندیشی «رادپرو، تلویزیون و دموکراسی» در تاریخ ۲۷ اردیبهشت، مصادف با ۱۷ می - روز جهانی ارتباطات - توسط انجمن علمی ارتباطات و با همکاری معاونت صدا در تالار ابن خلدون دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

اولین سخنران این هم‌اندیشی، دکتر محمدعلی الستی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد بود که در موضوع ساخت و کارکرد دموکراتیک در رادیو و تلویزیون سخنانی ایراد فرمود.

وی، با تشریح پرسش‌های اصلی مطرح در رویکرد کارکرد گرایانه در سه بخش کارکرد پدیده‌های اجتماعی، چگونگی پاسخ‌گویی پدیده‌ها به نیازها و چگونگی ارتباط درونی بین پدیده‌های اجتماعی، گفت: «اصول ساخت از پرسش سوم حاصل می‌شود. یعنی پدیده‌های اجتماعی را به تنهایی نمی‌توان مورد مطالعه قرار داد، بلکه مجموعه ساخت است که هر یک از اجزا و پدیده‌ها را معنی دار می‌کند».

به این اعتبار ساخت عبارت است از: ترتیب خاص همبستگی اعضای یک مجموعه برای منظوری معین». ایشان همچنین افزود: «تنها مجموعه ساخت است که قابلیت بررسی دارد».

دکتر الستی ضمن تمایز بین ساختمان به عنوان کلیتی که درون آن رابطه اجزای مشخص و ثابت است با سازمان به عنوان یک کل در حال تغییر و پویایی، گفت: «مثلاً ساخت فرهنگی عبارت است از: شیوه، اسلوب، ترتیب و چگونگی رابطه بخش‌ها و خصوصیات مختلف راه و روش زندگی مردم با هم؛ از این رو که مجموعه روابط و پیوندها میان یک گروه یا جمع را ساخت اجتماعی گویند. حال درباره ساخت‌گرایی یا

تحقیقات کلاسیک و فرضیات آشنا در مطالعات ارتباطی تا اواخر دهه ۶۰ میلادی ارزش و تأثیر وسایل ارتباط جمعی را در محتوای آنها می دانستند. متأسفانه همین امروز هم به عنوان محتوا مطالعات ارتباطی دائماً محتوای پیام های ارتباطی مورد ارزشیابی قرار می گیرد

محتوا مطالعات ارتباطی دائماً محتوای پیام های ارتباطی مورد ارزشیابی قرار می گیرد.

دکترالستی در ادامه سخنرانی خود افزود: «دموکراسی یعنی حاکمیت مردم. حال آیا رادیو و تلویزیون عناصری از دموکراسی را در ساختار خودشان تحقق می بخشند یا خیر؟ یعنی احساس حاکمیت به انسان می دهند یا خیر؟»

در حال حاضر، حاکمیت مخاطب را از طریق تلویزیون به طور ساختاری تضمین می کند؛ یکی اینکه قدرت انتخاب به او می دهد که در نتیجه می تواند با کنترل خود انتخاب کند و قدرت دموکراتیک پیدا کند؛ حریم شخصی و آزادی ایجاد می کند و امکان تأثیرگذاری و همی در مورد تلویزیون را از بین می برد. این سه ویژگی همان اصولی هستند که در کاربرد دموکراتیک ساختاری رادیو، و تلویزیون وجود دارند. اگر اصول و مبانی اساسی دموکراسی را فهرست وار بیان کنیم، چیزهایی مثل لیبرالیسم، پراگماتیسم، سنتی گرایی، اصالت قرارداد، اصالت رضایت و قبول عامه، اصالت برابری، خودمختاری فرد، قانون و قانونگذاری، شهروندی، حاکمیت مردم و حقوق بشر وجود دارد. این اصول دموکراتیک کاملاً به وسیله ساخت رسانه های نوین به ویژه تلویزیون و رادیو اعمال می شوند.

آنچه درباره رسانه و دموکراسی مهم است، تأثیر ساخت رسانه بر ویژگی های دموکراتیک مردم است. به قول بستالینی، تمام عریاض ما خلاصه می شود در باز کردن پنجره ای برای بررسی ساختار رسانه در دموکراتیزه کردن جامعه بدون توجه به محتوا. در اواخر دهه ۶۰ میلادی یک یافته روانشناسی مطرح شد که حاصل این اطلاعات به طور اتفاقی در اختیار مک لوهان قرار گرفت و ایشان هم «نظریه سرد و گرم» خود را مطرح کردند. در واقع مک لوهان در یک حرکت از سرد به گرم می رسد و می گوید لحظه به لحظه ارتباط در اثر حرفه ای تر شدن، از سردی به سوی گرمی حرکت می کند و به جایی می رسد که جای انسان را می گیرد. این یعنی همان اتوماسیون.

رادیو و تلویزیون ما، به این ترتیب از جهت ساختاری دائماً درجه دموکراتیزاسیون محیط را بالا می برد. هر جا که استفاده از رادیو و تلویزیون گسترش پیدا می کند دموکراتیزاسیون جامعه بشری را اضافه می کند.»

بعد از اتمام سخنرانی دکتر محمدعلی الستی، مجری برنامه، ضمن تشکر از ایشان و بعد از قرائت جملاتی، از دکتر

همیشه ضد طبیعت است. در واقع حرکت طبیعت یکسو و حرکت فرهنگ به سوی دیگر است. انسان ها از پیدایی روابط و تحولات تاریخی آگاه نیستند». او درباره رابطه رسانه و دموکراسی بیان کرد: «اولین اظهار نظر در سال ۱۷۸۷ توسط ادمون بورکا، سیاستمدار و فیلسوف انگلیسی بیان شده است. وی معتقد است مطبوعات رکن چهارم دموکراسی هستند. یعنی مفهوم رابطه رسانه و دموکراسی را این گونه بیان می کند که اولاً از رسانه ها فقط از مطبوعات نام می برد که با توجه به دوره زمانی، رسانه های دیگر مورد شناسایی نبوده اند و بعد هم درباره مسئله دموکراسی صحبت می کند. در یک مساحت دموکراتیک حتماً به قوه مقننه، مجریه و قضاییه نیاز مندیم که اگر مطبوعات نباشد، کار دموکراتیزه کردن سیستم ناقص است.»

استاد دانشگاه آزاد اسلامی افزود: دومین مطلبی که از جهت تحلیل ساختی مهم است، این است که میان اظهار نظر و چیزی که الان بیان می شود، دو تفاوت بزرگ وجود دارد: نخست آنکه رسانه های مورد نظر رادیو و تلویزیون هستند و دوم آنکه تأکید بر آثار وسیله و نه عوارض محتواست.

تحقیقات کلاسیک و فرضیات آشنا در مطالعات ارتباطی تا اواخر دهه ۶۰ میلادی ارزش و تأثیر وسایل ارتباط جمعی را در محتوای آنها می دانستند. متأسفانه همین امروز هم به عنوان



مهدی منتظر قائم - عضو هیئت علمی دانشگاه تهران - دعوت به ایراد سخنرانی کرد.

دکتر منتظر قائم سخنرانی خود را با عنوان «دموکراسی و ساختار نظام های رادیویی و تلویزیونی» آغاز کرد و بیان کرد که «اگر از دموکراسی شروع کنیم شاید به رسانه برسیم، اگر از رسانه شروع کنیم، می رسیم به چند جمله در مورد دموکراسی و در نهایت هم آن عظمت رسانه ما را در چنبره خود می گیرد. دموکراسی به زبان ساده حکومت مردم است یا حکومت توسط مردم. اما به طور ساده تر می شود گفت: حکومت برخاسته از مردم که به دست مردم برای مردم اداره می شود. حکومت هم یعنی مدیریت امور اجتماعی، یعنی بررسی نیازها و امکانات و نزدیک کردن امکانات به سمت نیازها برای برآورده کردن آنها. اینکه مردم و جامعه هر یک در شرایطی قرار دارند که نیازهای مشترک گروه های اجتماعی را تشخیص می دهند و امکانات را هم می سنجند و امکانات را به نحوی تخصیص می دهند، که در نهایت تعداد بیشتری از نیازهای مردم برآورده شود. خصلت دموکراتیک در واقع به این معناست که میزان بیشتری از نیازهای مردم و سیستم تشخیص نیازها یا نیازسنجی ها منتقل شود و در ضمن، سرمایه ها و امکانات بیشتری از مردم جلب شود؛ برای اینکه امور عمومی توسط مردم، برای مردم و به دست مردم مدیریت شود. به هر حال هر نوع رویکردی که درباره زندگی، نیاز، امکانات و مشکلات وجود دارد. بنابراین حکومت به معنای خیلی ساده یعنی اگر ما بخواهیم تمام سیستم ها و فرآیندهای سیاسی قدرت مجلس، حزب انتخابات و همه قانون اساسی و... را ساده کنیم.»

دکتر منتظر قائم افزود: «کاری که در حال انجام آن هستند این می باشد که شرایطی را تشخیص می دهند و امکاناتی را گرد می آورند و این امکانات را برای رفع نیازهای جامعه تخصیص می دهند. در واقع دموکراسی مستلزم آگاهی است؛ اگر مردم بخواهند حکومت کنند، باید به سازوکارهای حکومت و

سنجش نیازها آگاه باشند. در واقع باید بتوانند شرایط واقعی را تشخیص دهند و بر سازوکارهای علم و فن، دست یابند؛ به همه ابزارهای مادی و غیرمادی جهت برآوردن نیازها، احاطه داشته باشند و آگاه باشند که بتوانند برای مردم قضاوت و داوری کنند. نقطه شروع، آگاهی مدنی است؛ یعنی اینکه فرد باید بتواند خود را در یک جامعه اجتماعی تصور و تجسم کند و از جایگاهی که در آن قرار دارد، به عنوان یک ناظر بیرونی دفاع نماید و با فردیت خود حرکت کند و همچنین خواسته ها، تمایلات و نگرش های خود را تا اندازه ای که مجاز است در سیستم های تصمیم گیری دخالت دهد. بنابراین مشارکت نیمه دیگری است که آگاهی را تکمیل می کند و این آگاهی و مشارکت و تفکر و آزادی با انتقال افکار دیگران عملی می شود.»

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در ادامه سخنرانی خود عنوان کرد: نکته قابل توجه این است که دموکراسی یک آرمان است؛ به هیچ وجه هدفی نیست که محقق شده باشد؛ در واقع نوعی هدف برای حرکت تاریخی جوامع به حساب می آید که درجات مختلفی دارد. به بیان دیگر، ایجاد دموکراسی و دموکراتیزاسیون مستلزم نوجویی و نوگرایی است. اگر جامعه ای بخواهد به حالتی بهتر، به آزادی و شکوفایی توانایی های فردی و گروهی و اجتماعی برسد، باید اجازه طرح و بیان افکار و اندیشه های جدید را بدهد؛ در غیر این صورت در همان شرایطی که هست خواهد ماند و چون دموکراسی ما ذاتاً خصلت بیش دهنده دارد، اگر متوقف شود خیلی سریع به فساد و استبداد راه می یابد. در واقع، لایه سطحی و رویی سیاست انتخابات و دموکراتیک، قانون، مجلس، رئیس جمهور و مسائلی این چنینی است، اما لایه زیرینی که به مردم قدرت بیشتری می دهد، در برابر حاکمان و در برابر آنهایی که به نام مردم حکومت خواهند کرد و از طرف مردم برگزیده خواهند شد دانش و آگاهی واقعی به مسائل بنیادین جامعه است؛ آگاهی به موضوعاتی چون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و همه



تبلیغات از وظایف رسانه های جمعی است. آنها باید خواسته های دیگران را از منظر خودشان - نه از منظر ناظر - بیان کنند. موقعی که تبلیغات وارد ساز و کارهای رسانه ای می شوند، باید تابع ملاحظات باشند. هیچ وقت تبلیغات نباید یکسویه و یک طرفه باشد



عرصه‌هایی که در نهایت به زندگی شخصی و جمعی مردم و خود فرد مربوط می‌شود. بنابراین دموکراسی مستلزم دانش، آگاهی، مشارکت و تولید افکار و اندیشه‌های جدید، نقد، تحلیل، تفسیر، روایت، گفته، شنیده و... است.

دموکراسی مستلزم توسعه آگاهی و ناآگاهی است. به این علت صرفاً با آگاهی نیست که در جامعه تولید می‌شود. حرف‌های ناشایست، نقد و تفسیر اشتباه هم ممکن است در جامعه رواج پیدا کند و این مردمند که در نهایت به عنوان مصرف‌کننده‌های این نقدها و تفسیرها باید از بین گفته‌ها، گفته واقعی‌تر و پسندیده‌تر را انتخاب کنند. آن عرصه‌ای که این گفتمان‌ها، یعنی در واقع تلاقی فرد و مظهر اراده جمعی یعنی حاکمیت، به هم می‌رسند عرصه‌ای عمومی است؛ یعنی یک فضا، مجموعه گفتمان‌ها، پیامدها و چهارراه ارتباطی که واقعیت حکومت با نقد و نظر بخش‌های مختلف جامعه به هم می‌رسند. آنجایی که افراد مختلف در جامعه، حرف، نقد و نظرشان را عرضه می‌کنند، دیگران می‌توانند با معیارهای مختلف به داوری بپردازند از اینکه واقعیت کدام است، حقیقت چیست، بهترین خط مشی کدام است و اینکه فردیت فرد، خواسته‌ها، آرمان‌ها و آرزوها و تمایلات فردیش در چه شرایطی می‌تواند امکان تجلی و شکوفایی بیشتری داشته باشد. در واقع تلاقی فردیت فرد با جمع و با حکومت مجموعه‌ای را تشکیل می‌دهد به نام فضای عمومی. رسانه‌های جمعی یکی از ارکان این عرصه عمومی است. رسانه‌های جمعی در چهارراه ارتباطی قرار می‌گیرند؛ چهارراهی که حاکمان را به نخبگان و مردم و توده‌های مختلف را به هم و نخبگان را به هم و حاکمان را نیز به هم متصل می‌کند. در واقع رسانه‌های جمعی در جهان امروز، وظیفه انتقال گفته‌ها و شنیده‌ها را برعهده دارند. تولید، وظیفه ثانویه رسانه‌های جمعی است و حتی اگر تولیدی صورت می‌گیرد، این تولید به نمایندگی از مردم انجام می‌شود. تولیدکننده‌ها در رسانه‌های جمعی، خودشان صدایی هستند از بین صداهای متکثر در جامعه؛ حالا صدایی پرورش

یافته‌تر، فرهیخته‌تر و تخصصی‌تری هستند از بین صداهای جامعه. رسانه‌های جمعی وظیفه دارند جریان آزاد اطلاعات و ارتباطات را - آنچه را که آزادی بیان و اندیشه و نقد و تفسیر و تحلیل عنوان کردم - فراهم بکنند و آن را به اطلاع تعداد بیشتری از انسان‌ها برسانند تا داوری بین گفته‌های متفاوت سریع‌تر و عاقلانه‌تر صورت گیرد».

وی در ادامه اعلام کرد که کار رسانه‌های جمعی تفسیر است. در واقع کارش این است که حرف‌ها را از یک فرد به گوش میلیون‌ها انسان برساند. در واقع، تسریع در اطلاع - رسانی، تصریح حرف‌ها و حدیث‌ها و نکته‌هایی که در جامعه وجود دارد، و وظیفه رسانه‌های جمعی است. البته، تبلیغات نیز از وظایف رسانه‌های جمعی است. وظیفه تبلیغات بر دوش رسانه‌های جمعی است که خواسته‌های دیگران را از منظر خودشان - نه از منظر ناظر بیان کند. موقعی که تبلیغات وارد ساز و کارهای رسانه‌ای می‌شوند، باید تابع ملاحظاتی باشند. هیچ وقت تبلیغات نباید یکسویه و یک طرفه باشد. موضوع بحث، دفاع از تبلیغ منفی یا سیاه نیست، بلکه بحث دفاع از کارکرد تبلیغات است که باید مثبت و منفی در کنار هم باشد و افراد حق دارند خوبی‌های خود را بگویند همان‌طور که دیگران حق دارند بدی‌ها و کاستی‌های آنها را بگویند. به هر حال، در برابری نهایی، کارکرد تبلیغ منجر می‌شود به توسعه آگاهی بخش و آگاهی بخشی منجر به استراتژی‌های جدید در تبلیغات. این امر موجب می‌شود که دستگاه‌ها، ادارات، شخصیت‌ها و سیاست‌ها مجبور باشند برای پاسخگویی به مردم عقلانی‌تر شوند. بنابراین تبلیغات در یک چرخه بلندمدت به عقلانیت می‌انجامد».

وی در ادامه بیان کرد: «داوری درباره رابطه رسانه و دموکراسی و تلویزیون صرفاً براساس کارکردهای اولیه رسانه صورت نمی‌گیرد، بلکه تلویزیون می‌تواند اثرات مثبت هم داشته باشد. رسانه‌ها می‌توانند مردمان را مشغول کنند به چیزهایی که خیلی هم به آنها آگاهی بدهند و آنها را در راستای دفاع از منابع خودشان به حرکت درآورند؛ می‌توانند آگاهی کاذب به مردم بدهند و یا می‌تواند آنها با تبلیغات منفی به سوی وابسته‌تر شدن به ظواهر قدرت سوق دهند. انقلاب ارتباطات باعث شده شبکه‌های رسانه‌ای افزایش پیدا کند. بنابراین اگر در گذشته، مدل‌های ملی عمومی یا دولتی حاکمیت داشتند، در جهان امروز، تکثیر سازمان‌های رسانه‌ای و شبکه‌ها اتفاق افتاده است، هر چند در ایران هنوز در عرصه رادیو و تلویزیون - حداقل در پخش سازمانی اش - اقدامی صورت نگرفته است.

در مدل‌های ملی، دولتی یا عمومی، مدل‌های عمومی به منافع عامه مردم، بسیار نزدیک‌تر بوده‌اند. امروزه بحث‌های زیادی که در دنیا مطرح می‌شود این است که از دهه ۹۰ به بعد مدل‌های ملی تقریباً منقرض شده‌اند.



رسمی شبکه‌های خبر هستند.

آیا می‌شود گفت نقش مردم در تولید مطالب سیاسی و گفتمان سیاسی مستقل از رسانه‌های پیشین، مثل تلویزیون است و در واقع یک نوع استقلال وجود دارد؟ اینجا باید از عنصر زبان در گفت‌وگوهای سیاسی صحبت کنیم. منظر ما به زبان، منظر گفتمانی است؛ یعنی نحوه ترتیب نشانه‌ها به نحوی که بتواند یک ساختار معنایی از خبر یا وقایع اساسی به وجود بیاورد.

نگاهی به وضعیت فعلی جهان نشان می‌دهد که هنوز هم آن استقلالی که در شبکه‌های خبری وجود دارد، در مورد بسیاری از وقایع دیگر حاکم است. بنابراین از چند نظریه استفاده می‌کنم که این سایت زبانی توجیه شود. از جمله نظریه‌هایی که مورد استفاده قرار می‌گیرند، یکی مد یافرمینگ است که متأثر از نظریات گافمن است و بعدها توسط دیوس و باران مورد توجه قرار گرفته است. چه طور بازنمایی‌های رسانه‌ای فرم‌هایی را برای فهم و تحلیل وقایع در اختیار ما قرار می‌دهند؟ فرم‌دهی تغییر وقایع به دو شکل صورت می‌گیرد: یکی از تجربیات واقعی زندگی ماست و دیگری توسط بازنمایی رسانه‌ای.

شیوه قالب دهی یا فرم دادن توسط شبکه‌های خبری از دو طریق صورت می‌گیرد: یکی قالب‌دهی مفهومی است و یکی قالب‌دهی اپیزودی. قالب‌دهی مفهومی به شیوه‌ای است که شما یک واقعه یا خبر سیاسی را در یک روند مشخص با مجموعه‌ای از عناصر دیگر مشاهده می‌کنید، بنابراین می‌توان فهمید که جای خبر در آن کلیت چه چیزی است.

برعکس در قالب دهی اپیزودی شما تکه‌هایی از خبر را می‌بینید و تکه‌هایی از واقعیت را که بریده بریده است. صداوسیما در ایران به ویژه در اخبار سیاسی اش بیشتر از قالب-دهی اپیزودی استفاده می‌کند؛ در واقع دچار نوعی کناره‌گیری نسبت به این دنیای وحشتناک شده است. واقعه‌ای که در غرب اتفاق افتاده این است که همین بریدن تصاویر و ارائه اپیزودی

زمانی که در جامعه تکثر اتفاق می‌افتد، فائدتاً رسانه‌هایی که ظهور می‌کنند و صداهایی که بلند می‌شود هر کدام از زاویه دید خودش کار می‌کند. همه رسانه‌ها برحسب جایگاه اجتماعی‌شان، آزادانه باید حرف‌هایشان را بزنند و نقد و تحلیل خودشان را مطرح کنند».

آقای دکتر منتظر قائم در انتها عنوان کرد: «با عملی تر شدن و در واقع تکنولوژیک تر شدن عرصه تولید در حجم بالا مخاطب در صحنه‌های حادثه یا خبر حضور خواهد داشت».

دکتر کوثری عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران سخنرانی خود در روز جهانی ارتباطات را با موضوع رادیو و تلویزیون دموکراسی این چنین آغاز کرد:

«اینکه رسانه به رسانه دیگر سرایت می‌کند یا نه، موضوع مهمی است. با توجه به تکثر رسانه‌ها و به وجود آمدن رسانه‌های نوین، این موضوع حائز اهمیت است که چقدر اینها مستقل از ساختارهای زبانی پیش از خود هستند. برای مثال، اینترنت چقدر مستقل از زبانی است که در ارتباطات سیاسی و تلویزیونی مورد استفاده قرار می‌گیرد؟»

دکتر کوثری افزود: «متأسفانه مباحث جاری نشان می‌دهد که تلویزیون آنچنان که انتظار می‌رفت با وجود شبکه‌های خبری زیاد نتوانسته مشارکت سیاسی را افزایش دهد. به عبارت دیگر، نوعی دلزدگی در مردم به وجود آورده، بنابراین عملاً به کاهش دموکراسی منجر شده است، به ویژه در غرب با توجه به اینکه شبکه‌های خبری زیاد هستند و این شبکه‌ها خبرها را از زاویه‌های مختلف ارائه می‌دهند، وضعیت قدری در کشور ما متفاوت است.

حال این موضوع طرح می‌شود که تلویزیون به جای اینکه نوعی مشارکت به وجود آورد، نوعی نمایش سالاری ایجاد کرده است. نوع روایت و نوع گفتمان اخبار و وقایع تلویزیون به گونه‌ای است که، به نوعی گوشه‌گیری، کناره‌گیری و دلزدگی مخاطبان در مواجهه با اوضاع و وقایع سیاسی منجر شده است.

وجود اینترنت نوعی امید به وجود آورد که این عرصه می‌تواند کاهش دموکراسی را افزایش دهد. ما تجربه خود را پس از دوم خرداد پیش رو داریم که به وجود آمدن افزایش کاربری اینترنت در شکل وبلاگ‌ها و اتاق‌های گفت‌وگو توانست بخشی از بسته بودن عرصه عمومی را جبران کند و به محلی برای گفت‌وگو تبدیل شود».

دکتر کوثری در ادامه افزود: «این موضوع نیاز به بررسی دارد. تا حدودی بررسی‌هایی که روی سایت‌های غربی انجام شده، نشان می‌دهد یک نوع کاربرد مشابه زبانی با سرایت زبانی مشابه بین شبکه‌های خبری تلویزیون و سایت‌های اینترنتی وجود دارد. البته در اینجا منظور از سایت‌ها آن بخشی است که توسط مردم، تولید و توزیع می‌شود نه سایت‌هایی که اداری

وقایع باعث می‌شود وحشت مخاطب از مسائل سیاسی بیشتر شده به کناره‌گیری از مسائل سیاسی منجر شود. بنابراین ترس از مشارکت در مردم به وجود می‌آید».

دکتر کوثری ادامه داد: «آیا اینترنت می‌تواند فضایی مستقل از گفتمان‌های سیاسی و حتی مستقل از شبکه‌های خبری باشد؟ در واقع تأثیرات به قدری است که وبلاگ‌ها و اتاق‌های گفت‌وگو بیشتر به بازی پوکر تبدیل شده است. در واقعه‌های مهم مثل فتح بغداد، دستگیری صدام و سایر مسائل، آن‌ها پیروزدهای ارائه شده از وقایع سیاسی، کارت‌هایی است که در دست بازیگران اینترنت است و در شبکه‌های خبری روی آن مانور می‌دهند. شاید ما با نظریه «استفاده و خشنودی» بتوانیم قدری این موضوع را توجیه کنیم».

آدم‌ها در اتاق‌های گفت‌وگو، پز می‌دهند که ما هم از وقایع جهان مطلعیم، پس کارتی را که از شبکه‌های خبری گرفته ارائه می‌کند. بنابراین اینترنت شاید یک فضای گوناگون آزاد فراهم کند ولی کارت‌هایی که در دست ماست، کارت‌های مستقل از شبکه‌های خبری تلویزیونی نیست و این خود، بازی را محدود می‌کند».

نظریه دیگری که می‌تواند مورد استفاده باشد، بحث نشانه‌شناسی و گفتمان با واسطه است. بحثی که در نشانه‌شناسی رایج است این است که دو دیدگاه در این باره وجود دارد: یکی اینکه نشانه‌ها معناهای ثابت دارند و دیگر اینکه نشانه‌ها دارای چند معنا هستند».

در اینجا می‌توان گفت هر دو دیدگاه تا حدی از حقیقت خبر می‌دهند و می‌توان حد وسط را در نظر گرفت. در اینجا به صورت مشخص به دیدگاه بودریاری اشاره می‌کنم. بودریار معتقد است که دال‌ها به مدلول‌های مشخص تری اشاره می‌کنند. در دیدگاه بررسی نقش مخاطبان در انتخاب و گزینش معنا بازتر می‌شود. می‌خواهیم ببینیم این موضوع تا چه حد می‌تواند واقعیت پیدا کند».

وقتی ما از تلویزیون استفاده می‌کنیم، در یک محیط اجتماعی که در آن هستیم به نوعی از خبرها بهره‌مند می‌شویم و وقتی به اتاق‌های گفت‌وگو منتقل می‌شویم، تحت شرایط اجتماعی نقش متفاوتی نسبت به تلویزیون داریم. بنابراین در دو فهرست متفاوت از زبان استفاده می‌کنیم. از یک طرف با تلویزیون و از طرف دیگر با اتاق‌های گفت‌وگو مواجهیم. بحث دال و مدلول دو عنصر است که در بحث نشانه‌شناسی مهم هستند. اگر در این سالن، سخنرانی سیاسی باشد و یک دوربین وجود داشته باشد اتفاقی می‌افتد و کسی که در اینجا سخنرانی خواهد کرد، سخنانش دال است و موانع سیاسی که دارای مدلول است. حال فیلمی که به شبکه تلویزیونی برده شده و تکه‌هایی از آن برداشته می‌شود، درست است که دال عوض نشده، اما مدلول عوض شده است. مدلول این سخنرانی در

شبکه‌های تلویزیونی مواضع سیاسی سازنده‌هاست. بنابراین کاملاً روشن است که یک خبر واحد چگونه می‌تواند توسط شبکه‌های خبری مختلف با مواضع سیاسی متفاوت بیان شود. بنابراین دال از فهرست قدیمی خود جدا شده و به گروه جدیدی منتقل می‌شود که آن دال نه تنها مدلول قبلی را تا حدودی نشان می‌دهد، بلکه مدلول‌های جدیدی را مشخص می‌کند که صاحبان شبکه‌های خبری هستند. در روزنامه‌ها هم به همین صورت است که یک سخنرانی، بازتاب‌های متفاوتی دارد و در واقع در فهرست جدید مدلول‌های کاملاً متفاوتی پیدا می‌کند».

زبانی که در گفتمان سیاسی به کار می‌رود، در شبکه‌های خبری، در اتاق‌های گفت‌وگو تکرار می‌شود. بررسی محتوای اتاق‌های گفت‌وگو در غرب نشان می‌دهد که خیلی شبیه ساختارهای نحوی و زبانی تلویزیون است».

افراد چه در نقل قول مستقیم و چه در نقل قول غیرمستقیم معمولاً از عناوین خبری پخش شده توسط شبکه‌های خبری استفاده می‌کنند. معمولاً ترتیبی از نقل قول‌های مستقیم یا غیرمستقیم توسط کاربران در اینجا استفاده می‌شود. این استفاده در وقایع مهم، بیشتر است، مثلاً در وقایعی چون سونامی، بغداد و...»

بنابراین، از طریق کدهای مستقیم و غیرمستقیم اخبار سیاسی را در فهرست جدیدی از این عناصر به کار می‌برد، به طوری که هویت لیبرال محافظه‌کار خود را نشان می‌دهد».

خبر یا واقعه از شبکه‌های خبری گرفته می‌شود و به فهرست جدیدی منتقل می‌شود که همان اتاق‌های گفت‌وگو است».

یعنی اینکه این، زبان انتقال این گفتمان سیاسی در اتاق‌های گفت‌وگو است. فرد با نقل این خبرها، در اینجا این دال را برای مدلول جدیدی استفاده می‌کند که آن مدلول، موضع سیاسی است. پس با سه عنصر مهم مواجهیم:

- دال و مدلول در بیرون شبکه‌های خبری

- در شبکه‌های خبری

- در اتاق‌های گفت‌وگو».

این بررسی‌ها نشان می‌دهد که ما با نوعی سرایت زبانی مواجهیم؛ سرایت زبانی شبکه‌های خبری تلویزیون به اتاق‌های گفت‌وگو».

بعد از اتمام سخنرانی دکتر کوثری، از میهمانان پذیرایی شد و سپس فیلم ورونیکا که داستان یک خبرنگار زن است، به نمایش درآمد. در تمامی ساعات برگزاری این هم‌اندیشی، نمایشگاه کتاب و پخش ساختار فنی ماهواره به صورت powerpoint به نمایش در می‌آمد».

